

« به نام خالق زیبایی ها »

حنانه نوری رشته آموزش علوم اجتماعی 1402 ، پژوهش روایی

درس 5 مطالعات اجتماعی هشتم « آسیب های اجتماعی و پیشگیری از آنها »

فیلم سینمایی " علفزار " به کارگردانی کاظم دانشی ، سال تولید 1400

خلاصه ای از داستان فیلم:

فیلم علفزار بر اساس داستانی واقعی ساخته شده است و روایت آن در فضای دادسرا شکل می گیرد. ماجرا از جایی آغاز می شود که یکی از مأموران زیردست بازپرس، هنگام دستگیری بزهکاران و متهمین در یکی از مناطق پایین شهر، / تیر هوایی شلیک می کند که به صورت اتفاقی به کودکی برخورد کرده و منجر به مرگ او می شود. (قتل) / این حادثه موجب می شود که روند انتقالی بازپرس با مشکل روبه رو شود و به همدستی در یک قتل غیر عمد محکوم شود؛ حالا باید برای تبرئه شدن از این ماجرا، در قضاوتش محتاط تر و گوش به فرمان تر باشد. / دادستان و شهردار ، با تهدید به عدم صدور انتقالی و تحت فشار قرار دادن او، (سوء استفاده از قدرت) / بازپرس را وادار می کنند تا پرونده ای را که مربوط به خانوادگی شهردار است مختومه اعلام کند. (تهدید جهت کتمان حقیقت) / در مقابل، / وعده ی تسهیل در انتقالی و دریافت رشوه داده می شود. (اعمال نفوذ و رشوه) /

/ در حین بررسی پرونده و روایت های متضاد از حادثه که تنش و درگیری لفظی بین طرفین بالا می گیرد، (فحاشی) / بازپرس متوجه می شود که / خانوادگی شهردار در باغی اجاره ای، مهمانی خارج از عرف برگزار کرده بودند (مهمانی خارج از عرف) / و / مشروبات الکلی مصرف میکردند (استعمال مشروبات الکلی) / و / زمانی که همگی آنها در استخر بودند، شش نفر به طور وحشیانه وارد باغ شده و پس از درگیری، مردان حاضر را به درخت می بندند (درگیری) / و / به همسران آنها تجاوز می کنند. (تجاوز) / در جریان این حمله، / پسر شهردار نیز با ضربه ی چاقو به کما می رود. (چاقوکشی) /

با اینکه دختر شهردار و سایر اعضای خانواده وقوع تجاوز را انکار می کنند، اما "سارا"، عروس شهردار، حقیقت ماجرا را بازگو میکند؛ او به دلیل نگرانی برای فرزند خردسالش که شاهد این اتفاقات بوده، پیگیری شکایت

را به طور جدی ادامه می‌دهد. با این حال، / شهردار برای حفظ آبروی خانوادگی و موقعیت اجتماعی خود، اعضای خانواده را مجبور به رضایت می‌کند. (نادیده گرفتن عدالت برای حفظ آبرو و قدرت) // او حتی با تهدید به طلاق و گرفتن فرزند، عروسی را وادار به سکوت می‌سازد؛ (فشار و تهدید روانی) // هرچند که دختر و عروس او دچار آسیب‌های شدید روانی شده بودند (تبعات روانی تجاوز جنسی) / و خواستار قصاص بودند. با وجود فشارها و تهدیدهای روانی و اجتماعی، سارا همچنان بر پیگیری پرونده پافشاری کرده و در نهایت، بازپرس پرونده را به دادگاه ارجاع می‌دهد.

در بخش دیگری از فیلم، / به روابط نامشروع "شب‌نم"، خواهرسارا، با مردی غیر از همسرش اشاره می‌شود؛ (روابط نامشروع) // رابطه‌ای که باعث خیانت به همسرش شده و او را در معرض تهدید از سوی مادر متجاوزین قرار می‌دهد. (خیانت زناشویی) // / شب‌نم، برای جلوگیری از زندگی‌اش که در آستانه فروپاشی قرار گرفته بود (طلاق) / ، تلاش می‌کند تا رابطه‌اش با همسرش را حفظ کند.

همچنین / مادر متجاوزین نیز در فیلم دیده می‌شود که با اهدای انگوی خود به منشی دادر، از او تقاضای کمک برای نجات فرزندانش می‌کند، چراکه به دلیل فقر مالی قادر به گرفتن وکیل نیست. (فقر) /

در کنار این ماجراها، / داستان فریبا و محسن نیز دنبال می‌شود، که به مصرف مواد مخدر معتادند (استعمال مواد مخدر) / و / فرزندی حاصل از رابطه‌ای نامشروعشان دارند. (تولد کودکان نامشروع) / آنها برای گرفتن شناسنامه برای کودک تلاش می‌کنند؛ / کودکی که تاکنون با مادرش زندگی کرده (تولد و تک سرپرستی کودکان نامشروع) / و / به دلیل نداشتن شناسنامه از تحصیل محروم مانده است. (بی هویتی و طرد اجتماعی کودکان نامشروع) / بازپرس، برای جلوگیری از نابودی آینده‌ی کودک، تلاش می‌کند تا پرونده را به شکلی پیش ببرد که منجر به صدور شناسنامه و فراهم شدن امکان تحصیل برای کودک شود.

جدول کدگذاری:

کد محوری	کدهای گزینشی	کدهای باز
آسیب های اجتماعی	فرو پاشی اخلاقی و ناهنجاری فرهنگی	مهمانی خارج از عرف
		روابط نامشروع (زنا)
		فحاشی
		خیانت زناشویی
		استعمال مشروبات الکلی
	خشونت و نا امنی اجتماعی	چاقو کشی
		تجاوز
		درگیری
		قتل
	فساد اداری و بی عدالتی	اعمال نفوذ و رشوه
		سوء استفاده از قدرت
		تهدید جهت کتمان حقیقت
		نادیده گرفتن عدالت برای حفظ آبرو و قدرت
	اعتیاد و پیامدهای آن	استعمال مواد مخدر
		تولد کودکان نامشروع
	بحران خانواده	تولد و تک سرپرستی کودکان نامشروع
		بی هویتی و طرد اجتماعی کودکان نامشروع
		خیانت
		طلاق
	آسیب های روانی	تبعات روانی تجاوز جنسی
		فشار و تهدید روانی
	نابرابری اجتماعی	فقر

گزارش تحلیلی:

آسیب‌های اجتماعی از مهم‌ترین معضلات جوامع انسانی در عصر حاضر به شمار می‌روند و جامعه ما نیز از این مسئله مستثنا نیست. این آسیب‌ها نه تنها سلامت روانی و فردی افراد را تهدید می‌کنند، بلکه بنیان‌های فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اخلاقی جامعه را نیز در معرض بحران قرار می‌دهند. عواملی چون فقر، اعتیاد، نابرابری، ناهنجاری‌های فرهنگی و ناکارآمدی ساختارهای مدیریتی و قضایی، به صورت زنجیروار بر ابعاد مختلف زندگی اجتماعی، به ویژه نهاد خانواده، تأثیرگذارند. به عنوان نمونه، در فیلم ارائه شده اشاره شد که چگونه فقر می‌تواند منجر به اعتیاد افراد به مواد مخدر، خشونت، درگیری‌های فیزیکی و مسائل مشابه شود. همین اعتیاد ممکن است به روابط نامشروع منجر شود؛ روابطی که گاهی تولد کودکانی را به دنبال دارد که به دلیل شرایط خاص تولدشان، بدون شناسنامه و حق تحصیل، و با والد تنها بزرگ می‌شوند. این آسیب‌ها صرفاً اتفاق‌های پراکنده نیستند، بلکه نشانه‌هایی از شکاف‌های عمیق در ساختار جامعه‌اند.

یکی از آشکارترین جلوه‌های آسیب اجتماعی، **فساد اخلاقی و ناهنجاری‌های فرهنگی** است. نمونه‌ای از این مسئله را می‌توان در فیلم «علفزار» مشاهده کرد؛ جایی که خانواده‌ای مهمانی خارج از عرف برگزار کرده و در آن مشروبات الکلی مصرف می‌کنند. زمانی که بازپرس از آنان درباره مصرف مشروبات سؤال می‌پرسد، پاسخ می‌دهند: «ما در تمام مراسماتمان مصرف می‌کنیم.» این پاسخ، نشان‌دهنده عادی شدن رفتارهایی است که خبر از فروپاشی ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی می‌دهد. همچنین روابط نامشروع، خیانت زناشویی، فحاشی و مانند آن از دیگر ناهنجاری‌هایی هستند که در جامعه به طور نگران‌کننده‌ای رواج یافته‌اند. عادی‌سازی این رفتارها، مرزهای ارزشی جامعه را درهم می‌شکند و بحران هویت اخلاقی را رقم می‌زند.

در جامعه‌ای که **خشونت** رو به افزایش است، آرامش جایی ندارد. چاقوکشی، تجاوز، درگیری و قتل به بخشی از اخبار روزمره تبدیل شده‌اند. در فیلم ارائه شده، شاهد صحنه‌ای هستیم که چند مرد به طور وحشیانه وارد مهمانی می‌شوند، درگیری فیزیکی و چاقوکشی رخ می‌دهد و سپس به زنان حاضر در مهمانی تجاوز می‌کنند. این صحنه نمایانگر افزایش نگران‌کننده خشونت در جامعه، به ویژه خشونت علیه زنان است. چنین وقایعی نه حوادثی اتفاقی، بلکه نشانه‌هایی از **ناامنی ساختاری** در جامعه‌اند.

فساد اداری و بی‌عدالتی اجتماعی نیز از دیگر عوامل مؤثر در رشد آسیب‌های اجتماعی هستند. در فیلم مورد بحث، شهردار برای حفظ آبرو و موقعیت اجتماعی‌اش، خانواده‌اش را وادار به رضایت می‌کند و حق آن‌ها را به خاطر منافع خود نادیده می‌گیرد. همچنین دادستان، بازپرس پرونده را تحت فشار و تهدید قرار می‌دهد و شهردار با اعمال نفوذ و پیشنهاد رشوه، از بازپرس می‌خواهد پرونده را مختومه اعلام کند تا از افشای عمومی آن جلوگیری شود. این رفتارها باعث سلب اعتماد عمومی نسبت به سیستم قضایی می‌شود و وقتی مردم احساس کنند احقاق حق از مسیر قانونی ممکن نیست، خشونت و اقدامات افراطی به ابزارهای جایگزین تبدیل می‌شوند.

این عوامل در نهایت به **آسیب‌های روانی** منجر می‌شوند؛ از اضطراب ناشی از فقر و فشارهای اجتماعی گرفته تا زخم‌های روانی حاصل از خشونت و تجاوز. در فیلم ارائه‌شده، بازپرس به دلیل فشار روانی حاصل از کشته شدن کودک توسط همکارش، تهدیدهای دادستان، و تعارض بین وظیفه و وجدان خود، دچار آشفتگی ذهنی شدیدی می‌شود. همچنین شخصیت سارا، که قربانی تجاوز و انکار و تهدید اطرافیان است، به وضوح نشانه‌های فروپاشی روانی مانند گریه‌های مداوم، خشم و بی‌ثباتی احساسی را بروز می‌دهد. این واکنش‌ها نشان می‌دهند که وقتی آسیب‌ها و فشارهای اجتماعی از حد بگذرد، روان انسان‌ها اولین جایی است که آسیب می‌بیند.

در این میان، **اعتیاد** یکی از ریشه‌دارترین آسیب‌های اجتماعی است که خود منشأ بسیاری از ناهنجاری‌های دیگر از جمله روابط جنسی کنترل‌نشده و تولد فرزندان نامشروع می‌شود. در فیلم «علفزار» دو شخصیت به تصویر کشیده می‌شوند که درگیر اعتیاد بوده و در نتیجه یک رابطه نامشروع ده سال قبل، فرزندی به دنیا آورده‌اند.

در شرایطی که **خانواده** باید مأمن آرامش باشد، خود به یکی از کانون‌های اصلی بحران تبدیل شده است. طلاق، خیانت زناشویی و فروپاشی روابط خانوادگی، نشانه‌هایی از این بحران‌اند. یکی از نمونه‌های آن، شخصیت شبنم در فیلم است که با فردی غیر از همسرش رابطه داشته و اکنون که از سوی آن فرد طرد شده و ماجرای رابطه‌اش توسط متجاوزین فاش شده، نگران از هم پاشیدن زندگی‌اش است. او تلاش می‌کند با همسرش گفت‌وگو کند تا رابطه‌شان به طلاق نینجامد، هرچند پیش‌تر به دلیل همین رابطه تصمیم به جدایی

گرفته بود. از دیگر پیامدهای بحران خانواده، تولد کودکان نامشروع است؛ کودکانی که حاصل روابط خارج از چارچوب خانواده‌اند و بدون شناسنامه، حق تحصیل و هویت رسمی باقی می‌مانند. در فیلم، کودکی را می‌بینیم که در کنار مادر معتاد خود و در محیطی پر از فقر و آسیب‌زدگی می‌کند؛ مادری که اکنون می‌کوشد آینده فرزندش شبیه گذشته خودش نباشد. چنین کودکانی، قربانیان مستقیم فروپاشی نهاد خانواده‌اند و در معرض ورود به چرخه‌ای از آسیب‌های اجتماعی قرار دارند. زمانی که بنیان خانواده سست شود، امنیت روانی از بین می‌رود و کل جامعه در خطر فروپاشی قرار می‌گیرد.

در این میان، **فقر** یکی از ریشه‌های اصلی آسیب‌های اجتماعی است. در فیلم ارائه شده، شش مرد از طبقه‌ای فرودست وارد ماجرای تجاوز و درگیری می‌شوند و در آستانه اعدام قرار می‌گیرند. مادرشان که توان مالی گرفتن وکیل ندارد، برای نجات فرزندانش، شب‌ها را تهدید به افشای راز زندگی‌اش می‌کند تا رضایت بگیرد. این وضعیت نشان می‌دهد که فقر تنها یک مشکل اقتصادی نیست، بلکه زمینه‌ساز خشونت، فساد و فروپاشی روابط انسانی است.

در پایان باید گفت، آسیب‌های اجتماعی به‌صورت زنجیره‌وار به یکدیگر متصل‌اند و نمی‌توان آن‌ها را جداگانه حل‌وفصل کرد؛ چراکه هر آسیب، ریشه در آسیبی دیگر دارد. اگر امروز برای مقابله با معضلاتی چون فقر، اعتیاد، خشونت، فروپاشی خانواده و فساد اداری اقدام نشود، نسل فردا تاوان این بی‌توجهی را خواهد پرداخت. نقطه آغاز راه حل، خانواده است. با اصلاح نظام آموزشی، مقابله ساختاری با فقر و نابرابری، و مبارزه قاطع با فساد، می‌توان جامعه‌ای سالم‌تر و آینده‌ای روشن‌تر ساخت. انتخاب با ماست: یا اکنون می‌سازیم، یا فردا در ویرانه‌ها به دنبال مقصر می‌گردیم.